

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

### ج ۱: اربعین؛ از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك. عليك مني سلام الله ابدأ ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم. السلام على الحسين و على علي بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين.

#### حمدی بخاطر حسین ع

خدا را حمد می کنیم که دوباره توفیق داد تا در جمع محبان و شیعیان حضرت باشیم. خدا را حمد می کنیم بابت نعمت وجود محرم، خدا را حمد می کنیم بخاطر اینکه این فضا را موجب تزکیه و رفعت ما قرار داد. خدا را حمد می کنیم که حاضریم ساعتها وقت صرف کنیم، حاضریم مدتها فکر کنیم، حاضریم بذل مال کنیم، حاضریم اگر خداوند صحنه‌ای قرار بدهد بذل جان بکنیم و همه هستی مان را، به خاطر او که ندیدیم اما بسیار از او شنیدیم و بسیار از او خواندیم و او را محور هستی می دانیم فدا کنیم؛ حاضریم برای او همه کار بکنیم.

خدای متعال را به خاطر این جاذبه و به خاطر این عشق حمد می کنیم. سپاس می گوئیم که این را در وجود ما شعله‌ور کرد. خدای متعال را حمد می کنیم که حسین علیه السلام را هدیه‌ای برای آفرینش قرار داد و جاذبه‌ای برای نظم عالم، برای برقرار ماندن عالم، برای بر مدار ماندن همه چیز در عالم؛ و این جاذبه که از اعماق عالم وجود داشته و دارد، در درون ما نیز به عنوان یک انسان نهادینه کرد و امروز با یاد و با عشق او ایام مان را سپری می کنیم.

#### عمل حسینی چیست؟ و زیستن ما در چه نسبتی با حضرت قرار دارد؟

یادش بخیر زمانی این فضای حمد، این فضای شکر و این فضای نعمت را در کنار خوبان دیگر هم داشتیم؛ در کنار امام راحل، او که وقتی نام مولایمان ابا عبدالله علیه السلام برده می شد، شانه‌هایش بالا و پایین می رفت. یادش بخیر آن دورانی که در کنار عزیزان دفاع مقدس، خوبان رزمنده، جهادگران، شهیدان، یاد ابا عبدالله و اقامه عزا می کردیم. یادش بخیر! آن ایام چقدر شیرین بود و چقدر زود گذشت؛ کسانی که حسینی شدند و نشان دادند که حسینی شدن صرفاً بر سر و سینه زدن نیست، صرفاً به اشک ریختن نیست، صرفاً مثل ما به حضور در مجلس حسینی نیست! حسینی شدن به عمل حسینی است. یادش بخیر! خوبانی که برای مان این مسیر را آموزش دادند. یادش بخیر! آن نفس‌های حقی که در این جامعه وجود داشت و چشم انتظار ایام حسینی بود؛ یک چشم اشک بود و یک دست بر سینه و آن قدر که می فهمیدند و توان داشتند و خدای متعال مسیر باز کرده بود، در تهذیب شیعیان و در حرکت حسینی شیعیان تلاش داشتند.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

مرحوم آیت الله حق شناس، مرحوم آیت الله بهجت، مرحوم آیت الله مولوی، آقای مجتهدی، حاج آقا مجتبی! این‌ها کجا هستند؟ کجا هستند آن خوبانی که منتظر ایام حسینی بودند و فضایی از معرفت و اقامه عزا را برای ما در جامعه دامن زدند؟ روزی آنها بودند، امروز ما هستیم و فردا، حسینیان دیگر! این کاروان پیوسته یار دارد، پیوسته عضو می‌گیرد و پیوسته در حال حرکت است! در این سیر، هر کس به میزانی که توفیق پیدا می‌کند و از این توفیق استفاده می‌کند تا از فضای پر برکت سفره حسینی استفاده کند و بهره‌مند شود، یک گام به حسینی‌تر شدن نزدیک می‌شود و خودش را به کاروان حضرت نزدیک‌تر می‌کند. حسینی شدن به گفتن نیست؛ کربلایی بودن به تولد در آن مکان نیست؛ بلکه به گره خوردن با جان و روح و نور مولایمان هست.

این ایام، ایام پربرکتی است برای اینکه نظاره‌ای به گذشته کنیم و نگاهی به آینده دور کنیم، تا بیشتر بفهمیم که باید حسینی شویم؛ بیشتر بفهمیم که فرصت‌ها گذراست، مسیر طولانی و فرصت اندک. باید دست را به کمرمان بزنیم؛ باید بلند شویم و در این مسیر بایستیم و حرکت کنیم. دوستان! رفقا! عزیزان! سروران! فرصت جوانی کوتاه هست؛ تا انسان چشم برهم بزند جوانی رفته و گرد سن که بر پیشانی انسان بنشیند، توان انسان که اندک بشود، انسان غصه ایامی را می‌خورد که می‌توانست پر ظرفیت‌تر و باعزم بیشتر آن چیز که می‌خواست را انجام بدهد. ای کاش امروز در همان نقطه‌ای که سال‌ها بعد خواهیم ایستاد، باشیم و از فرصت عمرمان استفاده کنیم و جریان حسینی را به عنوان یک جریان قدرتمند در مدار زندگی‌مان قرار بدهیم.

نظاره‌گرهای ماجرای ابا عبدالله در طول تاریخ بسیار بودند. مشایعت‌کنندگان کم نبودند؛ اما حسینیان و صاحبان حریم و کاروانیان و انصار حضرت در قلت بودند. تکلیف ما روشن است: تاریخ پر است از کسانی که در نسبت‌های مختلف با حضرت زیستند. من و شما هم در یکی از همین نسبت‌ها زندگی می‌کنیم و تاریخ‌مان را سپری می‌کنیم و یک روزی - بعد از آن شالله عمر طولانی و با عزت - از این فضا عبور می‌کنیم و باید یک کارنامه داشته باشیم. در کدام مسیر، در کدام بزرگراه از ظرفیت‌های حسینی گام برداشتیم؟

از ضعف‌های رویکرد تاریخی به حسینیت؛ توسعه صرف فضای یک روزه مصیبت، به قبل و بعد

امسال قصدمان این است که ان شالله با یک نگاه جدی وارد مطالعه جریان حسینی بشویم. نگاهی جدی از فضای قرآن، از فضای روایات و از فضای تأمل در آثار حسینی در این زمان. قطعاً نمی‌خواهیم که با نگاه تاریخی وارد بشویم: تکلیف این ماجرا را در طول سال‌های گذشته روشن کردیم.

نگاهی که تنها نقطه عطف ماجرای حسین علیه السلام و امام هستی را یک روز می‌داند و آن هم عاشورا است، نه بن‌مایه‌ها را می‌بیند و نه تعلیمات عظیم راه، این نگاه، نگاه محدودی است! نگاهی که فقط عاشورا را می‌بیند و حادثه عظیم عاشورا توسط یاوران، و ایام قبل را تا ابتدای محرم توسعه می‌دهد و نام هر یک از روزها را با نام یاران حضرت تطبیق می‌دهد، اگرچه که ارزشمند است اما بهره‌عظیمی از این زاویه، از این نگاه نسبت به انسان حاصل

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

نمی‌شود. نگاهی که فقط می‌خواهد حوادث عاشورا را از سویی تا ابتدای محرم توسعه بدهد و از سویی دیگر بر مدار همین حماسه و حماسه‌گران روز عاشورا و شهادت آنها، حزن را در طول سال آتی توسعه بدهد، نگاهی است که با زاویه حادثه‌نگر به ماجرای عظیم نگاه می‌کند. و اگر چه بهره مند است، اگر چه که از این سفره عظیم می‌نوشد، اما نمی‌تواند مسئله‌های جدی و اساسی را حل کند. این نگاه، روال عمومی محدثین، متکلمین، مورخین، نخبگان و عموم جامعه بوده‌است و بر همین مدار، اقامه عزای ما شکل گرفته‌است. باز خدا را شکر که بر این اساس شیوه‌ای شکل گرفته است. این قدر اهل این نگاه، اهل عمل بودند که یک شیوه‌ای را شکل بدهند. هنر داشتند. ای کاش در این زمان، این فضا فراتر برود و قدرتمندتر بشود.

**کدامین رویکرد، قتل و ارتفاعات عاشورا، زایش‌ها، و ساخت و سازهای امام را مورد توجه قرار می‌دهد؟**

امروز ما نیازمند به نگاهی بر اساس زایش‌های عاشورا هستیم. امروز ما نیازمند نگاهی بر اساس بن‌مایه‌هایی از عاشورا در حوزه تربیت و صفات هستیم. ایام محرم ایام قبلش باید بر محور صفات، تربیت‌ها، تحولات، اعجاز، کلاس درس، چگونگی شکل گرفتن کاروان، چگونگی تشکیل بزرگترین دانشگاه انسان‌سازی تا روز عاشورا مطالعه بشود. و روز عاشورا، روز عزم و نشان دادن وفای به عهد و پیمان هست. تا مقدمات و نگرش‌های بنیادین، این‌گونه مطالعه نشود چگونه می‌خواهیم عاشورایی باشیم؟ توسعه روز عاشورا، توسعه حماسه روز عاشورا و روز قبل ارزشمند است. توسعه اسامی حماسه‌گران روز عاشورا و ایام قبل ارزشمند است؛ ولی تا چه حد و چه میزان این نوع از نگاه و این نوع از توسعه کمک می‌کند تا ما حبیب بشویم؟ تا ما جون بشویم؟ تا ما قاسم بشویم؟

امروز گریستن بر قاسم ما را التیام می‌دهد؛ قبول! اما مسئله‌ای از جامعه حل می‌کند؟ گریستن بر ماجرای حر التیامی به ما می‌دهد و اگر روزی را به ماجرای او اختصاص بدهیم یک ارزش هست اما آیا گره‌های کور جامعه ما با این شیوه از سلوک، با این شیوه از اقامه عزا و این نوع از نگاه و رفتار باز می‌شود؟ آیا نمی‌بایست به جای توسعه نام حماسه‌گران عاشورا، از روز عاشورا و ایام قبل، در صدد کشف فضای موجود این افراد نسبت به امام در ایام قبل باشیم؟ در دوم محرم یاران چه حال و هوایی داشتند؟ چه کسانی کجا بودند؟ نقاط عطف کاروان حسینی در سی و چند روز قبل از عاشورا در کجا بود؟ در چه نقاطی از جغرافیای زمین بود؟ نقاط عطف اتفاقات کجا بود؟ نقاط عطف سخنان امام کجا بود؟ نقاط عطف سخنان یاران کجا بود؟ آیا نمی‌شود بر اساس سیر تربیتی یاران در این ایام حرکت بکنیم و ایام سی و چند گانه قبل از عاشورا را، نه فقط ده روز محرم را با محوریت فضای تربیتی مورد مطالعه قرار دهیم؟ و با یک حال و هوای کاروانی به سمت عاشورای امام حرکت کنیم؟ و البته صاحب عزا هم باشیم و نه فقط برپاکننده عزا از روز اول محرم.

امروز ما نیازمند نگاه به قتل و ارتفاعات حاصل از عاشورا و کربلا هستیم. ما نیازمند نگاه از مسیری هستیم تا ساخت و سازهای امام، ساخت و سازهای انسانی و بشری امام مورد دقت و تأمل قرار بگیرد. که چگونه امام، افراد

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

را از پایین ترین نقاط به بالاترین موقعیت ها وارد کرد و در کوتاه ترین زمان، تحولی عظیم را شکل داد و با پرتاب یاوران به اوج آسمانها در روز عاشورا، طی مسیری طولانی را به طرفه العینی رقم زد؟ ما امروز باید این را بفهمیم. امروز که سقوط جامعه بشری بیش از همه گذشته تاریخ شکل گرفته است و انحطاط فرهنگی، جوامع مختلف را در بر گرفته است و کارنامه فرهنگی مسئولین ما به تعبیر رهبر معظم ولنگاری فرهنگی است، در این زمان ما در نهایت وجه، نیازمند فهم چگونگی پرتاب از پایین ترین نقاط با بالاترین نقاط هستیم. امروز نیازمند این هستیم.

تسکین درد با اقامه عزاء، موضوعی بوده که در طول تاریخ همیشه برای حسینیان شکل گرفته است. امروز تسکین درد و آرامش روحی موقت، اساسا دردی از جامعه بشری دوا نمی کند. دوران سختی را [پیشرو] داریم. امروز نیازمند بالا رفتن هستیم. نیازمند ارتفاع گرفتن هستیم. نیازمند پرتاب از پایین به سمت بالا هستیم و این در طول تاریخ، در تجربه حسینی مشهود است و نه در تجارب دیگر! امروز نیازمند نگاه هایی هستیم که این زایش های عظیم درون کاروان حسینی، که در روز عاشورا از آنها رونمایی شد، را به دقت ببینیم. چگونگی رسیدن به آن محصول عظیم را به دقت مطالعه کنیم و تلاش کنیم که برای جامعه آفت خورده و مورد هجمه دشمنان راهکار پیدا کنیم.

#### ایران می بایست همچون گذشته، از ظرفیت حسینی در حل بحران های فرهنگی مدد گیرد

محافل حسینی ما، امروز، به جای تسکین درد و تسکین فشارها و سختی های ایام سال می بایست رویکردی جدی به سمت حل معضلات فرهنگی جامعه داشته باشند. محافل حسینی ما، امروز اگر بر این محور شکل بگیرد که برویم آرامشی بگیریم، پاک بشویم، تسکین پیدا بکنیم، دور هم باشیم، لاف چند ساعتی از این فضای جامعه آلوده فاصله بگیریم یا چند مومن ببینیم، این خیلی کم است. اینها مال قبل از انقلاب اسلامی ایران بود. دوره اش تمام شد. محافل حسینی، ما امروز می بایست محلی برای عزم و پیمان و کشف سلوک صحیح و فهم چگونگی باز کردن بن بست ها باشد. آیا این هست؟ حاصل محافل حسینی ما، امروز می بایست بحران های اجتماعی و فرهنگی را حل کند. آیا این هست؟ امروز می بایست از زاویه ای نگاه کنیم که فهم به تشیع کشیده شدن ایرانیان سنی با حب الحسین را برای ما قابل فهم کند.

ما در یک دوره کوتاه تاریخی، با پیوند به ماجرای حسینی و توسط جریان حسینی، از یک نقطه به یک نقطه بالاتر برده شدیم. چرا امروز جامعه ما نمی بایست از این تجربه واقع شده در گذشته ایران، استفاده کند؟ چرا نباید بدانند؟ چرا نباید تأمل کند؟ چرا نباید مدتش را بفهمد و نباید از محصولش استفاده بکند؟ امروز باید از زاویه ای به تاریخ حضرت نگاه کنیم که بفهمیم چگونه عاشورا و اربعین هیمنه قدرت گسترده جبهه باطل را فروریخت و جزیره ثبات را به تزلزل کشاند و نگهبان صهیونسیم را به دشمن صهیونسیم تبدیل کرد. چطور این اتفاق افتاد؟ در سال های قبل از انقلاب اسلامی ایران چیز دیگری جز عاشورا و جز اربعین، موتور محرکه این جریان بود؟ چرا امروز عاشورای

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

ما و اربعین ما نتواند ما را از این نقطه اجتماعی، به نقطه بالاتر و مرتفع بکشاند؟ در طول تاریخ، ایران چند بار هزیمت از نقاط پایین دست به نقاط بالادست را به واسطه پیوند با جریان حسینی تجربه کرده است. در طی هزار سال گذشته، ایران حداقل سه بار از نقطه پایین دست به نقطه بالادست و فراتر با پیوند با جریان حسینی بالا برده شده است. چرا امروز، در دوره ولنگاری فرهنگی، این اتفاق، این تجربه تاریخی عظیم، مورد استفاده قرار نگیرد؟

انبیاء ع و توسعه صحیح فرهنگ حسینی؛ از اقامه عزا تا تربیت، از زیستن حسینی تا حرکت در مسیر مهدویت

نوع نگاه ما به محرم، نوع نگاه ما به عاشورا و کاروان حسین علیه السلام می تواند این تجربه را پیش چشم بیاورد و اتفاقی مجدد را شکل بدهد. عاشورایی این چنین، عاشورایی یک روزه نیست؛ عاشورایی با مقدمات تربیتی گسترده هست و جریانی سیال و عظیم که خود را از یک روز خارج کرده و به فضای قبل و بعد توسعه داده است. ای کاش ما هم نگاه می کردیم و نگاه کنیم تا ببینیم خدای متعال چگونه عاشورا را توسعه داده است. عاشورای حسینی تا قبل ها توسعه پیدا کرده، تا زمان آدم علیه السلام، به بعدها توسعه پیدا کرده تا زمان ظهور. ماجرای اباعبدالله و یاران حضرت توسط خدای متعال به قبل و بعد توسعه پیدا کرده و انبیای الهی در قبل پیشتر از رفتار نسبت به جریان توسعه یافته عاشورایی و کربلایی و حسینی بودند، این هم یک نوع توسعه هست. آنها برترین صحنه های تربیتی را ملاک نظر قرار دادند. چرا ما این موضوع برایمان پررنگ نیست؟

ما هم توسعه دادیم؛ از عاشورا به اول محرم! ولی نه بر مدار تربیت و نه بر مدار تربیت یاوران، بلکه بر مدار یک اتفاق برای هر یک از یاوران! یک اتفاق، نه یک فضای تربیتی! عاشورای توسعه یافته در گذشته برای انبیای الهی، عاشورایی با فضای تربیتی عظیم از یک سو و با فضایی دارای جهت به سمت حکومت آرمانی از سوی دیگر است! و اقامه عزا برای انبیای الهی در قبال امام حسین علیه السلام، اقامه عزایی در میان فضای تربیت و حرکت برای برپایی حکومت آینده هست! این اقامه عزا قیمتش خیلی با اقامه عزای ما متفاوت است. توسعه عاشورا به ابتدای دهه محرم ارزشمند است، اما مقدم بر این توسعه حادثه ای عاشورا به ایام محرم، مقدم بر این، توسعه فضای تربیتی هست، فهم فضای تربیتی است از یک سو و روشن کردن جهت حرکت کاروان از سوی دیگر است.

کاروان حسینی برای انبیای الهی کاروانی است با زایش هایی عظیم در مسیر مهدویت. کاروانی است برای حضور و تجربه و زیستن. کربلای حسینی، کاروان حسینی، عاشورای حسینی برای انبیای الهی عرصه ای برای زیستن است و گریستنشان هم بخشی از زیستن هست. نوع کلام ابراهیم علیه السلام در هنگام آشنایی با ماجرای حضرت، نوع کلام زکریا نوع کلام عیسی علیه السلام نوع کلام اسماعیل صادق الوعد و نوع کلامات همه انبیای الهی که از سخن آنها نسبت به ماجرای امام حسین علیه السلام ردی موجود هست، حکایت از گره خوردن با حضرت تا حد زیستن حسینی دارد. آشنایی با زندگی حضرت، بر نوع زندگی انبیای الهی تاثیر داشته است؛ بر نوع آرزوهایشان، بر نوع چگونه زیستنشان، چگونه ولادت فرزندشان، چگونه رفتن خودشان و فرزندشان، چگونه

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

بازگشتشان! و همه اینها یعنی زیستن حسینی. انبیاء الهی در پیوند با مفاهیم حسینی زندگی کردند. کاروان و عاشورا و جریان حسینی، این طور خود را به قبل توسعه داده است؛ کاروانیان بیاید زندگی حسینی کنیم.

اما برای ما برای ما محبان اهل بیت و مدعیان تشیع اهل بیت علیهم السلام عمدتاً در خلال این هزار و اندی ساله زیستن حسینی در محرم‌ها شکل نگرفت چه برسد به ایام باقیمانده سال! شعار حسینی برای ما مطرح شد، اشک حسینی مطرح شد، پاک شدن مطرح شد، تصمیم‌های صحیح مطرح شد، اما زیستن حسینی مطرح نشد! زیستن حسینی یعنی پیوسته سرباز بودن، پیوسته تابع ولی بودن، پیوسته مصلح بودن، پیوسته بن‌بست‌ها را باز کردن، یک چشم به ولی داشتن و یک دست برای رفع موانع مدنظر ولی به کار گرفتن! این می‌شود زندگی حسینی، می‌شود زیستن حسینی. ما این طور هستیم؟ کجا هستیم؟! ما این طور نیستیم.

### در جستجوی مصادیق تحول و زیستن حسینی؛ از سده‌های قبل تا کنون

فهم عاشورای حسین علیه السلام چگونه میسر هست در حالی که سیر تربیت کاروانیان‌شان را و سیر تحول یاران حضرت را نبینیم؟ فهم تربیتی جریان حسینی چگونه میسر هست اگر تحولات عظیم و ۳ گانه سده‌های گذشته در داخل ایران را جهت حرکت به سمت تشیع نبینیم؟ فهم امامت مولایمان امام حسین چگونه میسر هست اگر تحولات سده اخیر و تغییر وضعیت رژیم گذشته به دوران انقلاب اسلامی را مطالعه نکنیم و نقش عاشورا و اربعین را در این ماجرای تغییر مطالعه نکنیم؟ فهم امامت امام حسین علیه السلام و آثار او و انوار او چگونه میسر است اگر تحولات درون دفاع مقدس را و اعجاز‌های عظیم آن زمان را نبینیم و در محضر امام راحل زانوی ادب زمین نزنیم؟ فهم امامت حضرت و توسعه فضای حسینی حضرت چگونه میسر است اگر امروز، اربعین و اربعینیان را نگاه نکنیم و تحولات عظیم این پدیده عجیب و آیه الهی را رصد نکنیم؟

اگر امروز تامل ما در ایام محرم فقط به حادثه عاشورا و حماسه گران عاشورا باشد و هر شب را به ذکر یک داستان اختصاص بدهیم، اما تحولات سده‌های گذشته و سده اخیر سرزمین ایران بر مدار حسینی را نبینیم آیا جفا نیست؟ اگر امروز تحولات گسترده همپای جریان اربعینی و نقش آن در تغییر معادله‌های منطقه‌ای، تغییر معادلات تربیتی، نقش آن در تغییر معادلات فرهنگی و تغییر موازنه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را در این ایام نبینیم، آیا ما عاشورا را خوب فهمیده ایم؟ کربلا را خوب فهمیدیم؟ امامت حضرت را خوب فهمیدیم؟

امروز نیازمند به نگاهی هستیم که بتواند عاشورا را، حسین علیه السلام را و کاروان را توسعه بدهد؛ اما از سویی در فضایی از تربیت بر فراز تاریخ و از سویی در حرکت به سوی آینده‌ای مقدس! ما امروز نیازمند به این نگاه هستیم. اگر ما امروز تحولات هفت یا هشت ساله اخیر را تامل نکنیم - بعد از آزمون عجیب سال ۸۸ - چگونه رویمان می‌شود حرف از سفره حسینی و فهم حسینی و پیوند با مفاهیم حسینی داشته باشیم؟! خدای متعال در

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

جریان حسینی با زبان صحنه سخن گفت و یاوران را در درون صحنه تربیت کرد **و اگر جامعه‌ای بنا باشد که با جریان حسینی گره بخورد، نیازمند به صحنه و آزمون هست.**

جامعه ما از ابتدای تشکیل، با آزمونی عظیم همراه شد؛ بخشی از این آزمون‌ها در تکراری ده ساله شکل گرفت؛ نه یک سال کم و نه یک سال زیاد! آغاز جنگ، رحلت امام، همچنین فتنه‌های اجتماعی در طی دو مرحله ۷۸ و ۸۸، چهار مرحله آزمونی بود که در بازه‌های زمانی ده ساله در فضای اجتماعی شکل گرفت و عجیب اینکه در سه مرحله اول، نصرتی عظیم برای تحول در یک فضای کلان بین‌المللی به سوی جامعه ایران گسیل نشد. نه با شروع جنگ تحمیلی وقوع نصرت‌های بین‌المللی شکل گرفت و نه با رحلت امام راحل و نه در سال ۷۸ ما با فضایی از نصرت‌ها رو به رو شدیم. البته نصرت داخلی در خود جنگ داشتیم و رهبر معظم انقلاب نیز با نصرت الهی بر مسند امور نشستند، ولی سال‌ها با چالش‌های فراوان دست و پنجه نرم کردند.

اما عجیب است که در دوران فتنه و آزمون ۸۸، زمانه‌ای که دشمن تصمیم گرفت حیثیت ما، هویت ما، همه چیز کشور را نابود کند و از همه جهت به کشور هجوم آورد، یک جریان پرقدرت حسینی از سوی دیگری شروع شد تا این فضای آشفته بازار را سامان بدهد و تغییر وضعیت بدهد. اگر ما امروز این را نبینیم می‌خواهیم در محفل امام

حسین چه ببینیم؟! اگر امروز نصرت‌های خدای متعال بعد از آن آزمون سخت اجتماعی را نبینیم که در قالب تثبیت رهبر معظم انقلاب در فضای اجتماعی خودمان بسیار متفاوت‌تر از گذشته، و در فضای جامعه اسلامی جهانی بسیار متفاوت‌تر از گذشته شکل گرفت، اگر این را نبینیم می‌خواهیم چه را ببینیم؟! اگر باز شدن مجدد فضای جهاد و شهادت و تأثیرات اجتماعی عجیب فضای شهادت شهیدان خط مقاومت در جامعه را نبینیم می‌خواهیم چه چیزی را ببینیم؟! شما به من بگویید از ۷۸ تا ۸۸ چه موج‌های عظیم الهی به سمت جامعه برای نجات آمد؟ از ۶۸ تا ۷۸ چه اتفاقاتی افتاد؟ چه موج‌های عظیم اجتماعی برای نجات ما آمد؟ آیا این برای ما محل توجه نیست که پس از آزمون چهارم در این سالها، حداقل پنج موج شکل گرفته است؟ (اول) تقویت و ارتقاء رهبر، (دوم) بیداری اسلامی (سوم) ایجاد فضای جهاد و شهادت (چهارم) تحول و فتوحات عظیم در منطقه و فشار این فتوحات عظیم بر گفتمان سیاسی و فضای دیپلماسی و (پنجم) جریانی عظیم و بی‌نظیر یعنی موج اربعینی!

همه اینها جریان‌های پنجگانه عظیمی است که خداوند متعال در کمتر از یک دهه اخیر سامان داده است. آیا می‌توانیم مشابه این وضعیت را در سه دوره و بازه زمانی دهه‌های قبل پیدا کنیم؟ چرا خدای متعال دارد در این چند سال، در مواجهه با هجمه دشمن، این‌گونه در جبهه حق نعمت پراکنی انجام می‌دهد؟ اصلاً می‌بینیم؟ کانون این جریان، و قدرت این فضاها، چندگانه، جریان اربعینی و حسینی است که هم، فضای خط مقاومت و فتوحات منطقه‌ای را محوریت بخشیده و هم نگاه‌ها را نزدیک کرده و یک انسجام جدید در جبهه حق شکل داده است. جالب اینکه اتفاقی مستمر است و یک ساله نیست.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

چرا در آستانه آن سال های ۸۸ و ۸۹ بیداری اسلامی شعله کشید؟ چرا جریان اربعینی شعله کشید؟ چرا ارتقاء قدرت رهبری واقع شد؟ چرا فتوحات منطقه‌ای شکل گرفت و موج شهیدان شعله کشید؟ اینها هیچ ارتباطی با امام حسین ع ندارد؟ اینها را نباید در منطق حسینی ببینیم؟ ما امروز نیازمند به نگاه‌هایی هستیم که بتواند برای ما این فضا را مورد کاوش قرار بدهد.

نور اربعینی؛ از جریان زندگی حسینی توسط محبان، تا تقابل دشمن با آن

داشتم فکر می‌کردم که چه عنوانی را برای این محرم انتخاب کنیم. یک مجموعه از عنوان نوشته بودم دیدم فضایی که می‌خواهیم این محرم انتخاب بکنیم و گفتگو بکنیم فضایی از زندگی حسینی است و زندگی حسینی امروز در فضایی از امامت حضرت در درون جریان اربعینی دارد شکل می‌گیرد. لذا در شب های آتی سعی می‌کنیم ماجرای اربعین را در طی این دهه تا آخر مجلس پی بگیریم و با عنوان «نور اربعین خاموش نخواهد شد» سعی بکنیم که زندگی جدید حسینی که حضرت برایمان شکل داده را مطالعه کنیم و با این زندگی، بیشتر آشنا بشویم تا بهتر بتوانیم تجربه کنیم. تفالی هم به قرآن زدیم و آیه ای در مواجهه با دشمن آمد که در نوع خود جالب است.

این نکته را هم در پایان عرض بکنم که چند صباحی است دشمن، در ادبیات خود از برخی واژه های کلیدی و حساس استفاده می‌کند. دیروز آقای نتانیاهو در سازمان ملل صحبتی کرد. در خلال صحبت گفت: «نور اسرائیل خاموش نخواهد شد»!! دقت کنید. خیلی ها ممکن است تردید داشته باشند، ما تردید نداریم که گفتمان جدید شیعه در طی چند سال گذشته در زمینه منطق نور و گسترش آن مورد رصد قرار گرفته است. گفتمان جدید در زمینه تحولات منبعت از نور، در زمینه اتصال رسالت و نور، در زمینه اتمام نور و اطفاء نور، در زمینه راهبرد نور، در زمینه «و الله متم نوره»، در زمینه پیوند انقلاب با جریان برآمده از نور و این ادبیاتی که در چند فضا در کشور مورد گفتگوهای سالیانه قرار گرفت، تردید نداریم که مورد رصد قرار گرفته است! ممکن است کسی بگوید از کجا به این اطمینان رسیده‌اید؟ لزومی برای توضیح و تفصیل نمی‌بینم، اما بدانید که صحنه‌هایی مشخص در زمان خاص را در جامعه انتخاب کردیم، تا ماه‌ها فضای داخلی نسبت به آن صحنه‌ها بی تفاوت بود و ندید، اما در همان روز وقوع BBC فارسی رصد کرد! فردای وقوع، هآرتص و تایمز از آن حرف زدند! نه یکبار، بلکه چند بار! خیلی بهتر از من و شما فضای داخل جامعه را رصد می‌کنند. دقت کنید ادبیات و گفتگوهای پیرامون «تاثیرات نور» در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفت. بعضی اوقات از جانب مسئولین و بعضی اوقات از جانب متفکرین مورد هجمه قرار گرفتیم که این چه نشست های علمی است؟! این چه گفتمانی و چه ادبیاتی است؟! حتی امروز هم کسی جرات نمی‌کند این ادبیات را از جانب کشور در سازمان ملل ببرد، اما دشمن باورش و جراتش را دارد. می‌گوید «نور اسرائیل خاموش نخواهد شد».



نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱- اربعین، از تربیت و زیستن حسینی تا حرکت به سوی جامعه مهدوی

بازگشت گفتمان دشمن به گفتمان نور و ظلمت یک اتفاق نیست! یکی دیگر از شواهد این ماجرا انیمیشن پر قدرت در موضوع نبرد دریایی ایران و آمریکا است که در این کشور ساخته شد و از جانب مسئولین هم از آن حمایت نشد! اتفاقاً این انیمیشن توسط شبکه های تبلیغی و خبری بیرونی بسیار نقد شد. توسط شخص آقای اوباما، شخص آقای ترامپ و اشخاص مختلف نسبت به آن هجمه مستقیم شد، در حالی که در کشور کسی آن را تحویل نگرفت! جالب است بدانید زمانی که شبکه های یهودی و وهابی خواستند با این انیمیشن جنگی مقابله کنند، خودشان آن را به شکل رایگان برای دانلود در فضای مجازی قرار دادند و البته مبلغ ۵۰ هزار تومان هم به حساب دانلود کنندگان واریز می کردند! گمان بر این بود که شاید بخش هایی از نبرد و جنگ مثل برخورد موشک ایران با پرچم آمریکا بر ناو را از انیمیشن حذف کرده اند و می خواهند نسخه جدیدی بر این اساس را در معرض عموم قرار دهند اما آنها فقط یک بخش را حذف کرده بودند: «بخش نور» و تاثیرات نورانی زهرای اطهر(س) در نبرد! فقط آن بخش را حذف کردند.

عزیزان! «منطق نور و گسترش نور» یعنی همان چیزی که از اربعین متصاعد است و دیده می شود، یعنی همان چیزی که تحولات منطقه ای و بین المللی را شکل می دهد، مورد توجه و رصد دشمن است! گفتمان «نور» مورد توجه و رصد دشمن است. دشمن ادبیات جدیدی را به کار برده است: ادبیاتی جدید اما بدلی! ان شالله با «جریان اربعینی» پشت و عقبه این جریان قطع خواهد شد. تعبیر قرآن این بود: «فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».